

رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با کمال گرایی و خود تنظیمی و مقایسه آن در دانش آموزان خانواده‌های تک فرزند و چند فرزند

پریسا فرنودیان^۱

دکتر حسن اسد زاده^۲

دکتر صغری ابراهیمی قوام^۳

چکیده:

هدف این تحقیق بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با کمال گرایی و خود تنظیمی و مقایسه آن در دانش آموزان خانواده‌های تک فرزند و چند فرزند بوده است. جامعه پژوهش عبارت بودند از کلیه دانش آموزان دبیرستان تهران که تعداد ۴۸۶ دانش آموز دختر مقطع متوسطه با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار پژوهش عبارت بودند از پرسشنامه کمال گرایی چند بعدی (MPS)، مقیاس یادگیری خودتنظیمی (پنتریچ و دی گروت، ۱۹۹۰)، پرسشنامه فرزند پروری (بامریند، ۱۹۷۳). یافته‌های پژوهش نشان داد بین شیوه فرزندپروری والدین با خودتنظیمی و کمال گرایی دانش آموزان همبستگی معنادار وجود دارد به بیان دیگر بین شیوه فرزندپروری اقتدارگرا و خودتنظیمی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین شیوه

^۱ - کارشناس ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

Email: p.farnoodian@yahoo.com

^۲ - دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی

^۳ - دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی

فرزندپروری استبدادی و سهل گرا و خودتنظیمی رابطه منفی وجود دارد. بین کمال گرایی خودمحور و جامعه محور و شیوه فرزند پروری اقتدارگرا و استبدادی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بین شیوه فرزندپروری با کمال گرایی و خودتنظیمی در خانواده‌های تک فرزند و چند فرزند تفاوت وجود دارد. به طور کلی، تعامل عاطفی والدین با فرزندان تأثیر قابل توجهی بر رشد مهارت‌های خود تنظیمی و کمال گرایی فرزندان دارد و از آن جا که والدین اولین معلمان فرزندان هستند و تأثیر پذیری فرزندان در اوایل کودکی از والدین که اولین الگوهای آن‌ها هستند بسیار زیاد است؛ والدین می‌توانند با اتخاذ شیوه‌های صحیح تربیتی در برخورد با فرزندان از تأثیر پذیری خود حداکثر استفاده تربیتی را ببرند.

واژه‌های کلیدی: شیوه‌های فرزند پروری، کمال گرایی، خود تنظیمی، خانواده‌های تک فرزند و چند فرزند

مقدمه

طی دو دهه اخیر، متخصصان تعلیم و تربیت به مطالعه عوامل مؤثر بر تحصیل به ویژه شناخت و انگیزش بیش از پیش توجه کرده‌اند، که یکی از مفاهیم مطرح در تعلیم و تربیت معاصر، یادگیری خودتنظیمی است. خودتنظیمی پیامدهای ارزشمندی در فرایند یادگیری، آموزش و حتی موفقیت در زندگی دارد. سازگاری و موفقیت در مدرسه مستلزم آن است که دانش آموزان با توسعه خودتنظیمی یا فرایندهای مشابه، شناخت و عواطف یا رفتارهای خود را گسترش دهند و تقویت کنند تا با سامان دهی و خود مدیریتی رفتارهایشان بتوانند به اهدافشان برسند (شانک و زیمرمن، ۱۹۹۷). خودتنظیمی پیشایندها و پیامدهای متعددی دارد. یکی از مهم‌ترین عوامل ظهور و پیدایش خود تنظیمی خانواده است. به طور خاص، نشان داده شده است که رفتار والدین به طور مثبتی بر رشد تحصیلی و اجتماعی-روانی کودکان تأثیر گذار می‌باشد (استرنبرگ و همکاران، ۱۹۹۴). یکی از پیش بین‌های شاخص خود تنظیمی سبک فرزند پروری است. سبک‌های فرزند پروری، الگوهای استاندارد فرزند هستند که با آداب و پاسخ‌های معین والدین به رفتارهای فرزندان مشخص می‌شود (کوپلن، هاستینگز، لاگاس-سگین و ماولتون، ۲۰۰۲). پذیرش والدین، دادن فرصت انتخاب، تنوع تکلیف، داشتن تجارب تبحری، درگیری والدین و حمایت آنها از خود مختاری کودکان نقش مهمی در خود تنظیمی افراد دارد (شانک و پاچیرز، ۱۹۹۶ به نقل از خرازی و کارشکی، ۱۳۸۸). یکی از عوامل دیگری که با شیوه‌های فرزندپروری مرتبط است، ویژگی کمال گرایی در کودکان است. کمال گرایی یک سازه شخصیتی است و با ویژگی‌هایی همچون تلاش برای کامل و بی نقص بودن و تعیین معیارهای بسیار عالی و افراطی همراه با گرایش به ارزیابی انتقادی رفتار مشخص می‌شود (استوبر و اتر، ۲۰۰۶؛ اسلنی، اشبی و تریپی، ۱۹۹۵). آنچه مسلم

است، یادگیری خودتنظیمی و کمال گرایی تحت تأثیر عوامل و متغیرهای بسیاری است که در پژوهش حاضر تنها به یک عامل یعنی سبک‌های فرزندپروری والدین پرداخته می‌شود.

بسیاری از پژوهشگران کمال گرایی را پیامد تعامل کودکان با والدینشان می‌دانند (کاوامورا، فراست و هامارتز، ۲۰۰۲). بیشتر کودکان کمال گرا در خانواده‌هایی پرورش می‌یابند که عملکرد کمتر از کامل را با انتقاد آشکار یا ضمنی پاسخ می‌دهند. در نتیجه فرزندان این خانواده‌های متوقع، ممکن است شیوه‌های انتقادی ارزیابی از عملکرد خود را یاد بگیرند. یافته‌های پژوهشی نشان دهنده رابطه مستقیم بین سبک‌های فرزند پروری خشن و مستبدانه با جنبه‌های منفی کمال گرایی است (هویت و همکاران، ۱۹۹۵، به نقل از کاوامورا و همکاران، ۲۰۰۲).

در حقیقت میتوان گفت رفتار والدین و شخصیت کودکان تحت تأثیر متغیرهای گوناگونی قرار دارد که یکی از این متغیرها تعداد اعضای خانواده است. تحقیقات نشان داده‌اند که در خانواده‌هایی که تک فرزند هستند، والدین تمام آرزوهای خود را از آن فرزند انتظار دارند و از آنها می‌خواهند که در تمام عرصه‌های زندگی بهترین عملکرد را از خود نشان دهد.

سال هاست که تعداد والدین تک فرزند به دلایل متعددی رو به افزایش است از جمله اینکه: تأمین هزینه خانواده‌های پرجمعیت دشوار است، والدین به راحتی می‌توانند تربیت فرزند خود را تحت کنترل داشته باشند، همه درباره افزایش جمعیت نگران هستند، برخی از والدین مایل نیستند با مشکلاتی که ممکن است میان فرزندان ایجاد شود روبه رو شوند و آنان از پیچیده شدن مسائل خانوادگی که بر اثر چند فرزندی پدید می‌آید، اجتناب می‌ورزند (پیک هارت، ترجمه حاجی زاده، ۱۳۸۴).

هرچه زمان رو به جلو می‌رود، روابط انسانی پیچیده تر شده و از سادگی بیرون می‌آید. روابط اعضای خانواده، معلم، شاگرد، همسالان و افزایش تعداد خانواده‌های تک فرزندی، در نتیجه اصول و قوانین به کار گرفته شده در تربیت فرزندان توسط پدر و مادر به شیوه گذشته اثرگذار نبوده است و به همین علت در سال‌های اخیر تعداد پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه‌های تربیتی افزایش یافته است. از آنجایی که تربیت فرزند انعکاس نوع رابطه ای که والدین با فرزندانشان شکل می‌دهند می‌باشد، شیوه فرزند پروری می‌تواند بهزیستی نوجوانان را از طریق تاثیری که رابطه نوجوان و والد می‌گذارد تحت تأثیر قرار دهد (بهروزی، ۱۳۸۳). از آنجا که مطالعات انجام شده در کشورهای خارجی و با فرهنگ متفاوت با فرهنگ ایران انجام گرفته و نمی‌توان بافت فرهنگی-اجتماعی را در این زمینه نادیده گرفت. همچنین با توجه به نابهنجار بودن سازه کمال گرایی و رابطه آن با گسترده وسیعی از اختلالات روانی و عواملی که هر کدام به نوعی می‌توانند چه مستقیم (حرمت خود، اضطراب، افسردگی) و چه غیر مستقیم (اضطراب امتحان) بر بهداشت روان و بهزیستی فرد، تأثیرگذار باشد می‌توان به صورت کاربردی

با آموزش‌های الزامی از به وجود آمدن این سازه مرضی تا حدودی پیش‌گیری کرد. همچنین دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت می‌توانند آگاهی والدین از این که چگونه کمال‌گرایی و سبک فرزندپروری آن‌ها ممکن است بر کمال‌گرایی فرزندانشان تأثیر بگذارد را افزایش دهند (نیستر و فنیچ، ۲۰۰۶). می‌توان به کمک شیوه‌های فرزند پروری افرادی را تربیت کرد که به جای متأثر بودن از محرک‌های بیرونی و وابستگی همیشگی به این محرک‌ها تحت کنترل درونی باشند زیرا نظارت بیرونی دائم و دراز مدت مستلزم صرف وقت و هزینه‌ای گزاف است و علاوه بر این عملاً در همه شرایط توفیقات چندان‌تری را به همراه ندارد. اما درونی شدن ارزش‌ها و تبدیل نظرات بیرونی به نظرات درونی امری است که موجب پیشگیری از به هدر رفتن امکانات و استعدادهای انسانی می‌شود و توجه تحقیقات را هر چند به طور پراکنده به خود معطوف داشته است. توجه به نکات ذکر شده، پژوهش بیشتر در این زمینه را ضروری می‌سازد و یافته‌های این پژوهش سبب آگاه‌سازی جامعه و خانواده‌های تک‌فرزند می‌شود تا برای اصلاح روش‌های تربیتی مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، پژوهش حاضر در صدد است تا به بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با خودتنظیمی و کمال‌گرایی دانش‌آموزان بپردازد. و در نهایت این رابطه را در دو گروه کودکان تک و چند فرزند مقایسه نماید. بنابراین فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار گرفتند: این شیوه فرزندپروری با کمال‌گرایی رابطه وجود دارد. بین شیوه فرزندپروری با خودتنظیمی رابطه وجود دارد. بین شیوه فرزندپروری با کمال‌گرایی و خودتنظیمی در خانواده‌های تک‌فرزند و چند فرزند تفاوت وجود دارد.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: با توجه به ماهیت موضوع پژوهش، روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان دختر چند فرزند و تک فرزند مقطع متوسطه در مناطق ۱ و ۱۸ شهر تهران و کلیه والدین چند فرزند و تک فرزند مقطع متوسطه در مناطق ۱ و ۱۸ شهر تهران بوده است. با توجه به اینکه تعداد خانواده‌های دارای تک فرزند نسبت به خانواده‌های دارای چند فرزند کمتر است، در این تحقیق پژوهشگران ۱۶۸ دانش‌آموز تک فرزند و ۳۱۸ دانش‌آموز چند فرزند از دو منطقه ۱ و ۱۸ شهر تهران انتخاب کرده و به اجرای پرسشنامه پرداختند. به طور کلی حجم نمونه شامل ۴۸۶ دانش‌آموز دختر تک فرزند و چند فرزند و والدین آنان بود. از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای استفاده شد. استفاده از این روش دقت برآورد مورد نظر را افزایش می‌دهد (سرمد و بازرگان و حجازی، ۱۳۸۰). به این منظور ابتدا با مراجعه به سایت آموزش و پرورش به طور تصادفی منطقه ۱ و منطقه ۱۸ انتخاب گردید. سپس از این دو

منطقه با استفاده از فهرست مدارس دبیرستان‌های دخترانه، ۶ دبیرستان به طور تصادفی انتخاب شدند و سپس از هر دبیرستان ۴ کلاس ۲۱ نفری به صورت تصادفی برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

برای جمع آوری اطلاعات از سه پرسشنامه استفاده شد که عبارتند از :

پرسشنامه فرزند پروری (Parenting Questionnaire) (بامریند، ۱۹۷۳): پرسشنامه فرزند پروری بامریند از دانشگاه کالیفرنیا (۱۹۷۳). این پرسشنامه شامل ۳۰ جمله می‌باشد که سه شیوه ی سهل گیرانه، شیوه مستبدانه و شیوه قاطع و اطمینان بخش را می‌سنجد. که پایایی سه خرده مقیاس به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۸۶ و ۰/۸۵ گزارش شده است. ضریب آلفای کرونباخ فرزند پروری پژوهش حاضر ۰/۸۷۳. به دست آمد.

مقیاس یادگیری خودتنظیمی (Self-regulated learning) (پنتریچ و دی گروت، ۱۹۹۰): این مقیاس دارای ۴۷ عبارت است که در دو بخش باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی تنظیم شده است. پنتریچ و دی گروت (۱۹۹۰) برای بررسی پایایی پرسشنامه MSLQ از روش آلفای کرونباخ استفاده کردند و برای خرده مقیاس‌های خودکارآمدی، ارزش گذاری درونی، اضطراب امتحان، استفاده از راهبردهای شناختی و خود نظم دهی (استفاده از راهبردهای فراشناختی و مدیریت تلاش) ضریب آلفای کرونباخ در خودتنظیمی یادگیری ۰/۸۹۸. به دست آمد.

پرسشنامه کمال گرایی چند بعدی (Multidimensional Perfectionism Scale (MPS)): در این پژوهش ابعاد کمال گرایی آزمودنی‌ها با استناد از مقیاس چند بعدی کمال گرایی مورد سنجش قرار گرفت. این مقیاس توسط هویت و فلت (۱۹۹۱) ابداع در ایران توسط بشارت (۱۳۸۱) روی نمونه ایرانی هنجاریابی و اعتباریابی گشته است. این مقیاس یک آزمون ۳۰ سؤالی کمالگرایی خویشتن مدار، کمال گرایی دیگرمدار و کمال گرایی جامعه مدار را می‌سنجد که پایایی سه خرده مقیاس به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۵ و ۰/۹۰ گزارش شده است. ضریب آلفای کرونباخ در کمال گرایی پژوهش حاضر ۰/۸۶۲. به دست آمد.

روش اجرا و تحلیل یافته‌ها

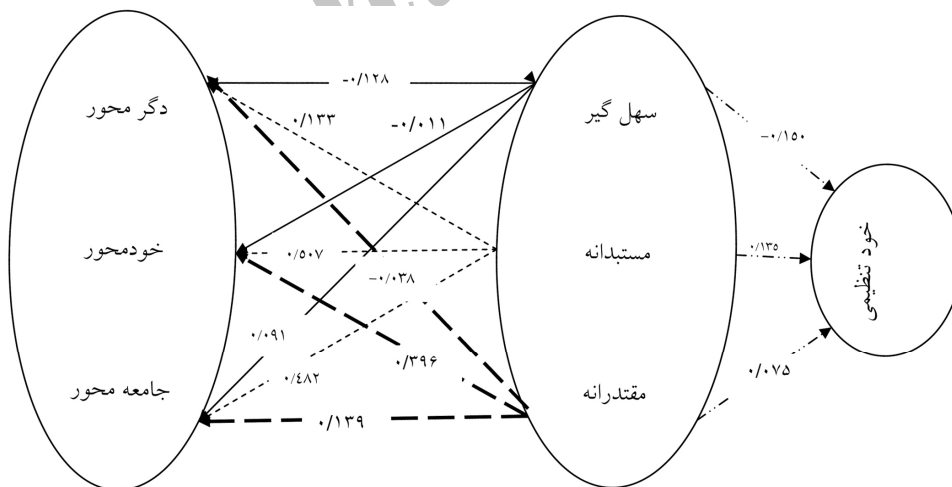
پژوهش حاضر، با اخذ مجوز از سازمان آموزش و پرورش اجرا شد. پرسشنامه مخصوص والدین با توجه به این که در مدارس امکان دعوت از اولیاء برای چنین کاری وجود نداشت (در مدارس اجازه

چنین کاری را نمی دادند) برای هر کدام از والدین داخل پاکت جداگانه گذاشته شد و همراه با دستورالعمل پر کردن پرسشنامه به فرزندان داده شد تا به خانه برده و والدین پر کرده و سپس تحویل مشاور مدرسه دهند. در پایان داده‌ها با استفاده از نرم افزار (SPSS) تحلیل گردید.

یافته‌ها

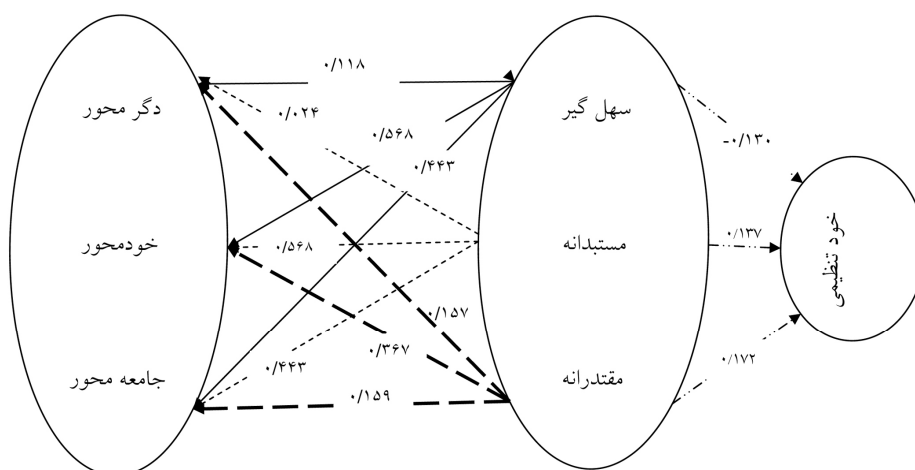
هدف این تحقیق، بررسی روابط بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با کمال گرایی و خود تنظیمی و مقایسه آن در دانش آموزان خانواده‌های تک فرزند و چند فرزند بوده است. بدین منظور ابتدا روابط ساده بین مؤلفه‌های تشکیل دهنده آنها با استفاده از آزمون آماری رگرسیون چند متغیری و آزمون آماری t سپس نتایج حاصل با تحلیل مسیر گزارش میشود. تحلیل مسیر یا **path analysis** روش آماری کاربرد ضرایب بتای استاندارد رگرسیون چند متغیری در مدل‌های ساختاری است. هدف تحلیل مسیر به دست آوردن برآوردهای کمی روابط علی بین مجموعه‌ای از متغیرهاست. ساختن یک مدل علی لزوماً به معنای وجود روابط علی در بین متغیرهای مدل نیست. تحلیل مسیر بیان می‌کند که کدام مسیر مهمتر و یا معنادارتر است. ضرایب مسیر براساس ضریب استاندارد شده رگرسیون محاسبه می‌شود. یک متغیر به صورت تابعی از دیگر متغیرها فرض می‌شود و مدل رگرسیونی آن ترسیم می‌شود. که در تحقیق حاضر از تحلیل مسیر استفاده شده است.

تحلیل مسیر تک فرزندی



با توجه به تجزیه و تحلیل مسیر تک فرزندی ضرایب بتا نشان داده است ارتباط مثبت معناداری بین دو متغیر کمالگرایی خود محور و جامعه محور و شیوه فرزند پروری مستبدانه و مقتدرانه وجود دارد. ارتباط منفی معناداری بین کمالگرایی دیگر محور و شیوه فرزند پروری سهل گیرانه وجود دارد. و همچنین ارتباط مثبت معناداری بین دو متغیر خود تنظیمی و شیوه فرزند پروری مقتدرانه وجود دارد و بین متغیرهای دیگر ارتباطی نشان داده نشد.

تحلیل مسیر چندفرزندی



با توجه به تجزیه و تحلیل مسیر چند فرزندی ضرایب بتا نشان داده است ارتباط مثبت معناداری بین دو متغیر کمالگرایی خود محور و جامعه محور و شیوه فرزند پروری مستبدانه و مقتدرانه وجود دارد و ارتباط مثبت معناداری بین کمالگرایی دیگر محور و شیوه فرزند پروری سهل گیرانه وجود دارد. و همچنین ارتباط مثبت معناداری بین دو متغیر خود تنظیمی و شیوه فرزند پروری مقتدرانه وجود دارد و ارتباط منفی معناداری بین خود تنظیمی و شیوه فرزند پروری مستبدانه و سهلگیر وجود دارد. بین متغیرهای دیگر ارتباطی نشان داده نشد.

جدول شماره ۵ : آزمون مقایسه میانگین‌های دو گروه تک فرزند و چند فرزند

نتیجه	فرض	سطح معناداری	t	میانگین	فراوانی	تعداد فرزندان	متغیرها
تایید فرضیه تحقیق	H ₁	۰/۰۰۱	۳/۴۳۹	۴/۰۶	۱۶۸	تک فرزند	استبدادی
				۳/۸۱	۳۱۸	چند فرزند	
رد فرضیه تحقیق	H ₀	۰/۲۳۴	۱/۱۹۲	۴/۳۰	۱۶۸	تک فرزند	خودتنظیمی
				۴/۲۳	۳۱۸	چند فرزند	
تایید فرضیه تحقیق	H ₁	۰/۰۰۰	۶/۰۷۲	۴/۵۲	۱۶۸	تک فرزند	اقتدارگرا
				۴/۱۷	۳۱۸	چند فرزند	
تایید فرضیه تحقیق	H ₁	۰/۰۴۲	۲/۰۴۰	۲/۹۸	۱۶۸	تک فرزند	سهل گیر
				۲/۶۹	۳۱۸	چند فرزند	
رد فرضیه تحقیق	H ₀	۰/۳۷۷	-۰/۸۸۴	۳/۳۱	۱۶۸	تک فرزند	دیگر محور
				۳/۴۲	۳۱۸	چند فرزند	
تایید فرضیه تحقیق	H ₁	۰/۰۰۰	۴/۶۴۷	۴/۲۳	۱۶۸	تک فرزند	خود محور
				۴/۰۲	۳۱۸	چند فرزند	
تایید فرضیه تحقیق	H ₁	۰/۰۰۰	۳/۹۳۶	۴/۲۰	۱۶۸	تک فرزند	جامعه محور
				۴/۰۳	۳۱۸	چند فرزند	

طبق نتایج به دست آمده از آزمون t دو نمونه ای مستقل، میانگین خانواده‌های تک فرزند از خانواده‌های چند فرزند در تمامی این ابعاد از خانواده‌های چند فرزند بالاتر است که این تفاوت میانگین معنی دار است. همچنین ارتباط معنی داری بین سبک‌های فرزند پروری سهلگیرانه، مقتدرانه و مستبدانه وجود دارد، که به موجب آن فرضیه پژوهش تأیید شده است. علاوه بر این، کمال گرایی خود گرا و جامعه گرا در خانواده‌های تک فرزند قابل توجه و معنی دار است که به موجب آن فرضیه تحقیق تأیید شده است. با این حال، تفاوت معنی داری بین خودتنظیمی و کماگرایی دیگر محور در میان کودکان تک فرزند و چند فرزند گزارش نشده وجود دارد، به طوری که فرضیه تحقیق رد شده است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با کمال‌گرایی و خود تنظیمی و مقایسه آن در دانش آموزان خانواده‌های تک فرزند و چند فرزند انجام شد. بنا به یافته‌های به دست آمده، بین شیوه فرزندپروری اقتدارگرا و خودتنظیمی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین شیوه فرزندپروری استبدادی و سهل‌گرا و خودتنظیمی رابطه منفی وجود دارد. نتایج تحقیق حاضر با تحقیق‌های یی (۱۹۸۴)، وید (۱۹۸۹)، زیگل من (۱۹۹۹)، ولترز (۱۹۹۸) مارتینز-پونز (۱۹۹۶)، درویزه (۱۳۸۴)، پولکینن (به نقل از هیل، ۲۰۰۱)، ریان و گرونلیک (۱۹۸۶) و تحقیق ریان، کنل و دسای (۱۹۸۵) عبدا...دهقانی (۱۳۷۹) شهرام واحدی و همکاران (۲۰۰۹)، معصومه صمدی (۱۳۸۶)، جوآن هانگ و لری پروچاند (۲۰۰۴) ونگ ویچی (۲۰۱۲) همسو می‌باشد. می‌توان این طور تبیین کرد: استراتیج و همکارانش (۲۰۰۱) نیز به این نتیجه رسیدند که تعاملات و آموزش‌های والدین، نقش مهمی در پیش بینی یادگیری خودتنظیمی کودکان دارد و آموزش‌های فراشناختی و راهبردی والدین و الگوبابی آنها به کودکان کمک می‌کند تا دانش فراشناختی را فراگیرند و در نتیجه خود تنظیمی را بهبود بخشند. در واقع می‌توان گفت محیط‌های دارای ادراک پذیرش، درگیری و حمایت از خودمختاری، با راهبردهای خود تنظیمی هم خوانی بیشتری دارند. با توجه به نقش و اهمیت ادراکات محیطی خانوادگی (مخصوصاً ادراکات معطوف به مادر) آموزش داده شود که به جای مهار فرزندان، خودمهارى آنها را تشویق کنند، از خود پیروی آنها حمایت و از پذیرش به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارها برای گسترش خود تنظیمی و توسعه باورهای انگیزشی فرزندان استفاده نماید. تقریباً تمام تحقیقات قبلی که در زمینه متغیرهای این تحقیق انجام شده است بر این امر تأکید می‌نماید که شیوه‌های فرزند پروری از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیر گذار بر احساس کفایت و خود باوری کودکان است. بنابراین شیوه‌های فرزند پروری می‌تواند یکی از عوامل مؤثر بر فرایندهای خود تنظیمی بوده و نیز بر موفقیت تحصیلی مؤثر باشد. همچنین تحقیقات پیشین حاکی از آن است که خود تنظیمی بر موفقیت در همه امور زندگی بویژه امور تحصیلی تأثیر دارد. مدارک محدودی نیز وجود دارد که رابطه بین میزان خود تنظیمی و رفتار والدین را تأیید نمی‌کند.

همچنین طبق نتایج به دست آمده بین کمال‌گرایی خودمحور و جامعه محور و شیوه فرزند پروری اقتدارگرا و استبدادی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. یافته‌های پژوهش با برنز، ۱۹۸۰؛ پیچ، ۱۹۸۴، میسیلدین (۱۹۶۳)؛ هماچک (۱۹۷۸)؛ دریسکول، ۱۹۸۲، و میسیلدین، ۱۹۶۳، انس و همکاران، ۱۹۹۵، کاوامورا و همکاران، ۲۰۰۲؛ به کریداک و همکاران، ۲۰۰۹؛ فلت و همکاران (۱۹۹۵)، انس و همکاران (۲۰۰۲)، بشارت و عزیزی (۱۳۸۸)، همخوانی دارد. با توجه به یافته‌ها می‌توان گفت

بیشتر کودکان کمال گرا در خانواده هایی پرورش می یابند که عملکرد کمتر از کامل را با انتقاد آشکار یا ضمنی پاسخ می دهند. در نتیجه فرزندان این خانواده های متوقع، ممکن است شیوه های انتقادی ارزیابی از عملکرد خود را یاد بگیرند. یافته های پژوهشی نشان دهنده رابطه مستقیم بین سبک های فرزند پروری خشن و مستبدانه با جنبه های منفی کمال گرایی است (هویت و همکاران، ۱۹۹۵، به نقل از کاوامورا و همکاران، ۲۰۰۲).

گروه دیگری از پژوهشگران هم معتقدند که سبک های فرزندپروری خشن و انتقادی می تواند در رشد کمال گرایی نقش داشته باشد. والدینی که از روش مستبدانه (authoritarian) استفاده می کنند رفتارها و نگرش های فرزندان را با توجه به معیارهای رفتاری معین شکل داده، کنترل و ارزیابی می کنند. آنها به گفتگو بین والدین و فرزندان اعتقاد ندارند و در نتیجه فرزندان از انتخاب هدف منطقی و دست یافتنی ناتوان می شوند و احساس بی کفایتی می کنند و سطوح بالای اضطراب را تجربه می کنند و عزت نفس پایینی دارند (باربر و هارمون، ۲۰۰۲؛ برک، ۲۰۰۷؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۷). براساس نظر آدلر ارزش گذاری معیوب خانواده درباره ارزشمند بودن براساس عملکرد که بوسیله والدین ابراز می شود به نگرش های اشتباه درباره ارزش داشتن منجر خواهد شد. این نگرشها در آینده به تلاش بی ثمر برای معیارهای کمال گرایانه تبدیل خواهند شد. (شالمن و موازاک، ۱۹۸۸). نوع دیگر از رابطه کودک - والد که از دیدگاه نظریه پردازان به کمال گرایی روان رنجور منجر می شود، لوس و ناز پرورده کردن بچه است. آدلر باور داشت که بچه های لوس و ناز پرورده، ناتوانی های خود را باور می کنند (دریکورس و استولز، ۱۹۶۴). آنها اراده و توانایی منطبق شدن با دنیا را از دست می دهند. هنگامی که آنها رشد می کنند و حمایت والدین هم از آنها قطع می شود و خواسته های محیط بیرونی هم ضروری تر می شود، احساس بی کفایتی در آنها افزایش می یابد. در نتیجه آنها احساس حقارت خود را از طریق حقارت برای موفق شدن، برتر بودن و قدرتمند شدن جبران می کنند. (وی، ۱۹۵۰). وی به توصیف افرادی که ترس افراطی از شکست دارند پرداخته است. از جمله ویژگیهای آنها این طرز فکر است که ارزش انسانها به موفقیت های آنهاست و اگر آدمهای بی کفایت و نالایقی باشند، نابود خواهند شد. در پشت این طرز تفکر، باورهای ناعاقلانه ای نهفته است. هلندر (۱۹۶۵؛ نقل از شافران و منسل، ۲۰۰۱) بیان کرد که کمال گرایان آنقدر به تلاش خود ادامه می دهند تا برخی ارزیابی های والدین را به نفع خود تمام کنند. به عقیده وی کمال گرایان معتقدند اگر بهتر کار کنند، آدم کاملی خواهند بود و والدینشان آنها را دوست دارند. او کمال گرایی را نتیجه ی سخت گیری شدید والدین در مقابل فرزندان با اعمال روش دو مقوله ای (dichotomous manner) و تایید مشروط فرزندان بیان کرد. به نظر وی کودکان معتقدند که اگر بسیار سخت فعالیت کنند، سرانجام والدینشان آنها را خواهند بخشید و پذیرفته

می‌شوند. فلت (۱۹۹۵؛ نقل از ویث و همکاران، ۱۹۹۹) بیان کرد بین شیوه‌های فرزند پروری والدین (استبدادی، سهل‌گیر (permissive) قاطعانه (authoritative)) و میزان کمال‌گرایی فرزندان ارتباط وجود دارد. هامچک (۱۹۷۸؛ نقل از فراست و همکاران، ۱۹۹۱) معتقد است محیطی که کمال‌گرایان در آن رشد می‌یابند دارای ویژگی‌های خاصی مانند غیرارزیابی‌کننده (nonapproval)، دارای ارزیابی‌های متناقض، نامسنجم (inconsistent) و مشروط (conditional) است. در محیط غیرارزیابی‌کننده، کودکان نمی‌دانند چه عملکردی خوب است، بنابراین کمال را ملاک مورد نظر خود قرار می‌دهند و کمتر از آن را برای خود قابل قبول نمی‌دانند. زمانی که ارزیابی‌های والدین در مورد عملکرد تصادفی و اتفاقی باشد کودکان مداوم خود را در معرض ارزیابی احساس می‌کنند و سعی می‌کنند برای آنکه انتظاراتی والدین را برآورده کنند کاملاً بی‌عیب و نقص عمل کنند. در ارزیابی‌های متناقض نیز کودکان دقیقاً آنچه را که مد نظر والدین است، متوجه نمی‌شوند. به دنبال این عقاید نظریه‌پردازان دیگر مانند باور و موری (۱۹۸۳؛ نقل از فراست و همکاران، ۱۹۹۱) چهار موقعیت مستعد کننده‌ی رشد کمال‌گرایی را بیان کردند که تبیین کننده نتایج پژوهش حاضر است عبارت‌اند از:

۱. زمانی که والدین بیش از حد انتقادکننده و متوقع هستند.
۲. زمانی که انتقادهای بصورت غیرمستقیم است، اما بیانگر انتظارات و معیارهای والدین برای عملکرد فرزندان است.
۳. زمانی که عملکرد فرزندان توسط والدین مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرد و یا ارزیابی‌ها بصورت ناپایدار شرطی است.
۴. موقعیتی که والدین کمال‌گرا به عنوان مدل‌های برای شکل‌گیری نگرش و رفتار کمال‌گرایانه در افراد عمل می‌کنند. بسیاری از والدین الگوهای واضحی درباره‌ی چگونگی عملکرد کامل، واکنش به اشتباهات و ارزیابی خود برای فرزندان، فراهم می‌کنند. به طور کلی بسیاری از محققان بر نقش خانواده و محیط اجتماعی در ایجاد و رشد کمال‌گرایی در فرزندان اتفاق نظر دارند و اعتقاد دارند که کمال‌گرایی ریشه در تجربه‌های دوران کودکی به ویژه رابطه‌ی والدین - کودک دارد. دیگر نتایج پژوهش حاضر نشان داد رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با کمال‌گرایی و خود تنظیمی در دانش آموزان خانواده‌های تک فرزند و چند فرزند تفاوت معنادار وجود دارد. طبق نتایج به دست آمده تفاوت میانگین بین ابعاد شاخص فرزند پروری استبدادی، اقتدارگرا، و سهل‌گیر ابعاد کمال‌گرایی خودگرا، جامعه‌گرا بین خانواده‌های تک فرزند و چند فرزند معنی دار است. میانگین خانواده‌های تک فرزند از خانواده‌های چند فرزند در تمامی این ابعاد خانواده‌های چند فرزند بالاتر است که این تفاوت میانگین معنی دار است. تحقیق علمی درباره مسئله شیوه فرزندپروری با کمال‌گرایی و

خودتنظیمی در خانواده‌های تک فرزند و چند فرزند که با نتایج تحقیق حاضر همخوانی داشته باشد موجود نمی باشد. البته نیاز به مطالعات بیشتری می باشد تا به چنین سوالی پاسخ مبتنی بر شواهد داده شود. می توان پاسخ به این سوال پژوهش را به دلایل احتمالی چون جامعه مورد نظر، حجم نمونه، ابزار پژوهش، آزمودنی ها، ترتیب تولد، طبقه اجتماعی اقتصادی و فرهنگی در نظر گرفت.

همکاری کم والدین گروه نمونه در تکمیل پرسشنامه و تحویل آن، همگن نبودن دانش آموزان از نظر سن (زیرا در چهار مقطع متوسطه انجام شده)، وضعیت خانوادگی، ساختار خانواده که همگی به عنوان متغیرهای کنترل نشده می توانند نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهند، عدم اطلاع از میزان صداقت آزمودنی ها در پاسخگویی به سوالات از محدودیت های پژوهش حاضر بوده است. با توجه به تحقیقات زیاد انجام گرفته، بهترین روش برای تربیت فرزندان روش مقتدرانه است. بنابراین پیشنهاد می شود با آگاهی و علم به مسائل تربیتی این شیوه مثبت تربیتی را برای تربیت فرزندان خود برگزینند. دست اندرکاران تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش با تشکیل کلاس های آموزش خانواده و کلاس های کارگاهی شیوه های مختلف تربیت را به صورت جدی پی گیری نمایند. برای تعمیم بهتر نتایج پژوهش حاضر، پژوهش مشابهی در دانش آموزان تک فرزند و چند فرزند انجام شود. با توجه به اینکه تحقیق حاضر با این عنوان برای نخستین بار است که در ایران انجام می شود، پیشنهاد می شود که این مطالعه را دوباره و در نمونه های متفاوت انجام دهند تا تکرار پذیری و قدرت تعمیم نتایج آزموده شود. با توجه به این که پژوهش حاضر در دو منطقه (۱ و ۱۸) و یک جنس (دختر) انجام شده است بنابراین برای تعمیم یافته ها تمامی مناطق تهران و هر دو جنسیت در نظر گرفته شود.

منابع

الف - فارسی

۱. اسلمی، الهه (۱۳۸۵). رابطه سازگاری زناشویی و سبک‌های فرزندپروری والدین و سلامت عمومی فرزندان. *پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.*
۲. ارجمند، فاطمه (۱۳۸۶). بررسی رابطه ابعاد کمال‌گرایی والدین با عزت نفس، جرات‌ورزی، خودکارآموزی فرزندان آن‌ها در بین دانشجویان دختر دبیرستان‌های منطقه ۷ آموزش و پرورش شهر تهران. *پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.*
۳. برهان زاده، شهرزاد (۱۳۸۹). رابطه بین ادراک از شیوه‌های فرزند‌پروری و حمایت اجتماعی با بهزیستی روانشناختی دختران پایه دوم دبیرستان. *پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.*
۴. باقرپور کماچالی، صغری، بهرامی احسان، هادی، فتحی آشتیانی، علی، احمدی خدابخشی، احمدی، علی اصغر (۱۳۸۶). رابطه الگوهای فرزندپروری با میزان سلامت روانی و موفقیت تحصیلی. *مجله علوم رفتاری، سال اول، شماره ۱، ۳۳-۴۰.*
۵. بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۴). روانشناسی تربیتی (روانشناسی آموزش و یادگیری). *تهران: نشر ویرایش.*
۶. بشارت، محمد علی؛ ناد علی، حسین؛ زبردست، عذرا؛ صالحی، مریم (۱۳۸۷). کمال‌گرایی و سبک‌های مقابله با تنیدگی. *فصلنامه روانشناسان ایرانی، سال پنجم، شماره ۱۷.*
۷. بشارت، محمد علی (۱۳۸۱). ابعاد کمال‌گرایی در بیماران افسرده و مضطرب. *مجله علوم شناختی*، ۳، ۲۶۳-۲۴۸.
۸. بشارت؛ محمد علی (۱۳۸۲). قابلیت اعتماد (پایایی) و درستی (اعتبار) مقیاس کمال‌گرایی مثبت و منفی؛ *مجله علوم شناختی*، ۱، ص ۳۵۹-۳۴۶.
۹. بشارت، محمد علی (۱۳۸۷). رابطه کمال‌گرایی والدین با سبک‌های فرزند‌پروری. *پژوهش در نظام آموزشی بهار ۱۳۸۹؛ ۴ (۱) ۹-۲۹.*

۱۰. بشارت، محمد علی (۱۳۸۱). ابعاد کمال گرایی و بیماران افسرده و مضطرب. *مجله علوم شناختی*، ۳، ص ۲۶۳-۲۴۸.
۱۱. پیک هارت، کارل. (۱۳۸۴). کلیدهای تربیتی برای والدین تک فرزند. ترجمه حاجی زاده، مسعود. انتشارات صابرین. چاپ هشتم.
۱۲. تشکر، بهرام. (۱۳۷۷). بررسی رابطه نگرش‌های فرزند پروری، الگوی شخصیت الف، کمال گرایی و جزم گرایی والدین با اضطراب امتحان و عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر سوم راهنمایی شهرستان آباد. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه شهید چمران اهواز.
۱۳. تنهای رشوانلو، فرهاد. (۱۳۸۷). رابطه ادراک از سبک فرزند پروری با پیشرفت تحصیلی: نقش واسطه ای انگیزش تحصیلی. *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران.
۱۴. سبزی علی پور، مریم. (۱۳۸۶). بررسی اصول حاکم بر محیط تربیتی کلاس درس در دبستانهای دولتی دخترانه شهرستان آمل از ابعاد سه گانه فیزیکی، عاطفی، سازماندهی. *پایان نامه کارشناسی ارشد* دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۵. حسینی، عدنان. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین ابعاد کمال گرایی با ترس از موفقیت و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانشجویان دختر و پسر کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی. *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۶. حیدری، محمود، دهقانی، محسن، خداپناهی، محمد کریم. (۱۳۸۸). تأثیر شیوه فرزند پروری ادراک شده و جنس بر خودناتوان سازی تحصیلی. *فصلنامه خانواده پژوهی*، سال ۵، شماره ۱۸، ۱۳۷، ۱۲۵.
۱۷. خرازی، علینقی، کارشکی، حسین (۱۳۸۸). بررسی رابطه مولفه های ادراک والدین با راهبردهای یادگیری خودتنظیمی. *مجله تازه های علوم شناختی*، سال ۱۱، شماره ۱، ص ۵۵-۴۹.
۱۸. درویزه، ز. (۱۳۸۴). بررسی رفتار همدلانه دختران دبیرستان با مادرانشان و رابطه آن با مهارت فراشناختی و پیشرفت تحصیلی در شهر تهران. *فصلنامه مطالعات زنان*، ۸، ص ۸۲-۶۸.

۱۹. ریو، جان مارشال (۲۰۰۵). انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۸۶). تهران: انتشارات ویرایش.
۲۰. زیبا زاده، سهیلا (۱۳۸۷). مقایسه اثربخشی آموزش بر اساس رویکر سکوسازی و سنتی بر یادگیری خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر در درس تعلیمات اجتماعی در شهر مهاباد. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۱. سرمد، زهره، بازرگان، عباس، حجازی، الهه (۱۳۸۰). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگاه.
۲۲. سیف، علی اکبر (۱۳۸۵). روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری و آموزش) تهران: انتشارات آگاه.
۲۳. صفاریان طوسی، محمدرضا (۱۳۷۵). بررسی رابطه بین راهبردهای یادگیری خودتنظیم و عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر سال سوم راهنمایی شهرستان مشهد در سال تحصیلی ۷۴-۷۵، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم.
۲۴. صمدی، م. (۱۳۸۳). بررسی خودتنظیمی یادگیری دانش آموزان و والدین: مطالعه جنسیت و عملکرد تحصیلی. مجله روانشناسی و علوم تربیتی، ۳۴(۱)، ۱۷۵-۱۵۷.
۲۵. صادقی، زهرا (۱۳۸۵). مهارت‌های فرزند پروری. فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی (هیپنوتیزم). سال ۱۱ شماره ۴۱، ۴۲، ۴۳-۵۶.
۲۶. صمدی، معصومه (۱۳۸۶). تأثیر روش‌های تربیتی و خودتنظیمی بر پیشرفت تحصیلی. مجله تازه‌های علوم شناختی، سال ۹، شماره ۱، ۴۸-۴۰.
۲۷. صیادی، شیرازی (۱۳۸۲). رابطه سبک‌های فرزند پروری والدین و شکل‌گیری هویت. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۸. طلوع تکمیلی، نادره (۱۳۸۲). بررسی اثر بخشی آموزش مستقیم راهبردهای شناختی و فراشناختی بر یادگیری خودتنظیم دانش آموزان کلاس پنجم ابتدایی شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

۲۹. عزیزی، کوروش (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های فرزند پروری و کمال‌گرایی والدین با کمال‌گرایی فرزندان. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران*.
۳۰. غنی‌آبادی، خدیجه‌السادات (۱۳۷۷). شیوه‌های فرزند پروری. *مجله روانشناختی و علوم تربیتی پیوند، شماره ۲۳۳، ۴۷-۴۴*.
۳۱. فرهادیان، رضا، (۱۳۸۸). خانواده و تربیت فرزندان. *تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان*.
۳۲. قربانی، رقیه (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین ابعاد کمال‌گرایی و شیوه‌های مقابله با استرس با انگیزش تحصیلی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم*.
۳۳. کارشکی، حسین (۱۳۸۶). نقش اهداف پیشرفت در مولفه‌های یادگیری خودتنظیمی. *فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، سال ۱۰، شماره ۳، ۲۱-۱۳*.
۳۴. کدیور، پروین (۱۳۸۰). *روانشناسی تربیتی. تهران: انتشارات سمت*.
۳۵. گنجی، لیلا (۱۳۸۳). بررسی رابطه میان ابعاد کمال‌گرایی، افسردگی و اضطراب دانش‌آموزان دبیرستان شهر تهران در سال تحصیلی ۸۴-۸۳. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی*.
۳۶. لیل‌آبادی، لیدا (۱۳۷۵). بررسی مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان عادی و مبتلا به اختلال سلوکی در مدارس ابتدایی پسران شهر تهران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی*.
۳۷. مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز، نجاریان، بهمن، بحرینی، شهناز (۱۳۷۹). رابطه سن و فرزند پروری با سلامت روانی و هماهنگی مولفه‌های خود پنداشت. *مجله روانشناسی ۱۳، سال ۱۴، شماره ۱، ۹۷-۸۳*.
۳۸. هرینگتون، ای میوس، پارک، راس دی (۱۳۷۳). روانشناسی کودک از دیدگاه معاصر. *جلد دوم. ترجمه طهوریان و همکاران، چاپ اول، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی*.
۳۹. یوسفی، فریده (۱۳۸۶). ارتباط سبک فرزند پروری والدین با مهارت‌های اجتماعی و جنبه‌هایی از خود پنداره دانش‌آموزان دبیرستانی. *ماهنامه علمی پژوهشی، دانش‌ور رفتار، دانشگاه شاهد، ۱۴ دوره جدید، شماره ۲۲، ۴۶-۳۷*.

1. Ashby, J.S. & Rice, K.G. (2002). Perfectionism dysfunctional attitudes and self- Esteem, *Journal of conseling and Develiopment*, Vol 8, ISSUE ,20.
2. Abar, B., Carter, K.L. & Winsler, A. (2009). The effects of maternal parenting style and religios commitment on self- regulation , academic achievement, and risk behavior among African - American parochial college student. *Journal of Adolescence* 32, 259-273.
3. Adkins, K.K., & Parker, W. (1996). Perfectionism and suicidal preoccupation *Journal of personality* 64, 529-543.
4. Buamrind, D. (1991). The influences of parenting style on adolescent competence and subs stance use. *Journal of Early Adolescences*, 11, 56-95.
5. Brand, S. H., Alzinger, M., Beck, J., & Irachslev, E.H. (2009). Perceived Parenting style, personality traits and sleep pattern in adolescents. *Journal of Adolescence*, 32, 1189-1207.
6. Bandura, A., (1997). Self-Efficacy : The exercise of control. *New York: Freeman*.
7. Bandura, A. (1986). Social foundation of thought and action : A social cognitive theory. Englewood Clifffes, N J : *Prentice Hall*.
8. Berry, C.A. (1992) Pervious learning experiences strategy beliefs and task definition in self-regulated foreign language learning contemporary *educational psychology*, 18, 318-336.
9. Chen, C.S. (2002). Self- regulated learning strategies and chievement in an introduction to information systems course information technology, *learning and performance Journal*. Vol 20, no 1, PP 11-25.
10. Caskey, M.M. (2009). Adolescents psychological well-being and perceived paternal involvement : implications for parental involvement in middle school. *National Middle school Association*, 33, 1-13.

11. Dabbagh, N. & Kitsantas, A. (2004). Supporting self-regulations in student-centered web-based learning environments (electronic version) *International Journal on E-Learning*, March, 40-47.
12. Dewirey, M., Achoui, M., Abousarie, K., Farah, A., Sakhleh, A. A., Fayad, M., & Khan, H. K. (2006). Parenting style, individuation, and mental health in Arab adolescent: A third cross-regional research study. *Journal of cross-culture psychology*, 37, 262-272.
13. Dwairy, M., Menshar, K. E. (2005). Parenting style, individuation, and mental health of Egyptian adolescent. *Journal of Adolescence*, 29, 103-117.
14. Darling, N. & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113, 487-496.
15. Eccles, J. S. & Wigfield, A. (2002). Motivational beliefs, values and goals. *Annual Review of psychology*, 53, 109-132.
16. Eisenberg, N., & Losoya, S. (1997). Emotional responding: Regulation, social correlates & Socialization. In P. Salovey & D. J. Stuyterd (Eds.), *Emotional development and emotional intelligence* (pp. 129-162). *New York: Basic books*.
17. Fisher, A. (2001). *Critical thinking an introduction* London Cambridge university.
18. Fridman, T. L. (2005). *The world is flat: A brief history of the twenty-first century*- *New York: Farrar, Straus and Giroux*.
19. Falbotoni: polit, Denide (1989) only children and personality Development: A Quantitative Review, *Journal of marriage and the family*, vol, 49, no2 (may 1989).
20. Flett, G. L., Hewitt, P. L. (2002) *Perfectionism: Theory, Research, and treatment*. *Washington, DC*.
21. Frost, R. O., Marten, P., Lahart, C., and Nosenblute, R. (1990). The dimensions of perfectionism, cognitive therapy and research, 14, 449-462.

22. Gordon L. Flett. Paul L. Hewitt .(2007). COGNITIVE AND SELF-REGULATION ASPECTS OF PERFECTIONISM AND THEIR IMPLICATIONS
23. FOR TREATMENT: INTRODUCTION TO THE SPECIAL ISSUE. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*, Vol. 25, No. 4, December 2007.
24. Grolnick, W. s. Deci, E. L.& Ryan, R. M .(1997). Internalization within the family : The self-determination theory perspective. In J.E. Grusec & L.Kuczynski (Eds). Parenting and children`s internalization of values: A handbook of contemporary theory (pp.135-161).*New York: Wiley.*
25. Heo, H (2000). Theoretical underpinnings for structuring the classroom as self-regulated learning environment, *Educational technology international* ,2(1), 31-51.
26. Huver , R.M.E. , Otten , R. VRIES , H.D. Engels, R.C.M.E.(2010). Personality and parenting style in parent of adolescents. *Journal of Adolescents* , 33,395-402.
27. Hofe,B.K.Yu.S.L. & Pintrich,P.R (1998). Teaching college students to be self-regulated learners. In; Schunk , D.H. & Zimmer man, B.J.(Editors).(1998). self-regulated learning : from teaching to self reflective practice *New York; The Guilford press.*
28. Hewitt,P.L and Fleet.G.I.(1991). Perfectionism in the self and social contexts: Conceptualization, Assesment, and Association with psychology *Journal of personality and social pasychology*.60, 4, 456-497.
29. Kim, A.H.(2008).Korean parent`s and adolescent`s of parenting style: A Developmental study. Doctor of philosophy. *University of Maryland : USA.*
30. Kustrer,K.D.(2009). Impact of parenting style on academic achievement parenting style, parental involvement, personality factors

and peer orientation. Adolescents dissertation presented to the graduate faculty of the department of psychology.

31. Lio, Ying. Hsiu (2001). The effective of an advance organiz and two types of feedback on pre- service teachers knowledge application in blended learning environment. Atthesis in instructional systems. Submitted in partial fulfillment of requirments.

32. Ling pong, s. Johnston, J. Chen, V. (2010). Authoritarian parenting and Asian adolescent school performance : Insights from the US and Taiwan. *International Journal of Behavioral Development*, 34(1), 62-72.

33. Miltiadou, M. & Savenye, W.S (2003). Appling social cognitive constructs of motivation telecommunication 942-964.

34. Milevsky, A. Schlechter, M. Netter, S. Keehn, D. (2007). Maternal and paternal parenting in adolescents : association with self-
Giovagnoli, A.R. Meneses, R.F. Martins de silva, A. (2006). The contribution of spirituality to quality of life in focal epilepsy. *Epilepsy & Behavior*, 9, 133-139.

35. Martinez-pons, M. (1996). Test of a model of parental inducement of academic self- regulation. *The Journal of Experimental Education*, 64(3), 213-227.

36. Newman, R.S. (2002). How self- regulated learning cops with academic difficulty : The role of adaptive help seeking. Theory into practice, 41 (2), 132-138.

37. Pintrich, P, R. DeGroot, E.V. (1990). Motivational and self- regulated learning components of classroom academic performance. *Journal of educational psychology*, Vol 83, No, 1, pp 33-40.

38. Pintrich, P, R. (1999). The role of motivation in promoting and sustaining self- regulated learning *international Journal of education research*. Vol 31, PP, 459-470.

39. Rose, E. Margaret ; Jill, O, Saliburg Glennon, Guarine, Anthonng ; Modeling the interrelations ships among instruction assessment, learning strategies and academic performance, *Educational Research and Evaluation* VOL, 9. No. 2. PP. 78-209.

40. Silverman, L. K. (1999). Perfectionism. *Gifted Education International*, 13, 216-225.
41. Schuler, P. (2002). Perfectionism in gifted children and adolescents. In M. Neihart, S. M. Reis, N. M. Robinson, & S. M. Moon (Eds.), *The social and emotional development of gifted children: What do we know?* (pp. 71-79). *Waco, TX: Prufrock Press.*
42. Rohlfuchs, A. (2004). Behavioral characteristics of the only child vs. first born and children with sibling. *Department of psychiatry porto alegre. Brazil.*
43. Ryan, R. M., Connell, J. P., & Deci, E. L. (1985). A motivational analysis of self-determination and self-regulation in education. In Ames and Ames. *Research in education*, 2: ,13-51. Orlando, FL: Academic.
44. Stright, A.D., Neitzel, C. Sears, K.G., & HOKE-Sinex, L. (2001). Instruction begins in the home: Between parental instruction and children self-regulation in the classroom. *Journal of Educational psychology*, 93, 456-466.
45. Schunk, D.H. & Zimmerman, B. J. (1997). Social origins of self-regulatory competence. *Educational psychologists*, 32, 195-201.
46. Schunk, D.H. (2000). *Learning theories : An educational perspective.* Merrill, Prentice Hall.
47. Schunk, D.H. & Dale H (2005). Commentary on self-regulation in school contexts, *learning and Instruction*, page 173- 177
48. Stoeber, J & Rambow, A. (2007). Perfectionism in adolescent school students : relations with motivation, achievement and well-being. *Personality and Individual Differences*. 42. 1379- 1389.
49. Stoeber, J. & Yang, H. (2010). Perfectionism and emotional reactions to perfect and flawed achievements: Satisfaction and pride only when perfect. *Journals of personality and individual Differences*, 49, 246-251.
50. Steinberg, L.; Lamborn, S. D.; Darling, N.; Mounts, M. S. & Dornbusch, S. M. (1994). Overtime change in adjustment and competence among adolescents from authoritative,

authoritarian, indulgent and neglectful families, child development, 65, 754-770.

51. Vahedi, sh.(2009). Self-Regulation and Dimensions of Parenting Styles Predict Psychological Procrastination of Undergraduate Students. *Iran J Psychiatry* 2009; 4:147-154.

52. Verner.Filion,J & Gaudrean.P.(2010). From Perfectionism to academic adjustment : The mediating role of achievement goals. *Journal of personality and individual differences*, 14, 181-186.

53. Winsler, A. Madigan ,A., Aquilino ,S.A.(2005). Correspondence between maternal and paternal parenting styles in early childhood. *Early Childhood Research Quarterly*.20, 1-12.

54. Wolters, C.(1998).Self- regulated learning and college, students regulation of motivation. *Journal of Educational psychology*, 2, 224-235.

55. Weinstein, C.E.& Mayer, R.E (1986).The teaching of learning strategies in M, wittrock (ED) hand book of research on teaching pp(315-327). *New Yourk, Macillan*.

56. Yeh, Yatin . Ting, Yuanyu (2008). Confirmatory analyses of perfectionism on high school student in Taipei.

57. Zimmerman, B.J.& Martinz-Pons, M.(1998). Construct validation of strategy model of student self-regulated learning. *Journal of Educational psychology*, 80-284-290.

58. Zimmerman, B.J.,& Martinez-pons,M.(1986).Development of a structural interview for assessing student use of self- regulated learning strategies. *American Educational Research*, 23,614-628.

59. Zimmerman, B,J(2003). Self- regulated academic learning and achievement : The emergence of a social cognitive perspective educational psychology review,2. 120-178.

60. Zimmerman,B.J.(1989).A social cognitive view of self-regulated academic learning *Journal of Educational Psychology*.329-339

61. Zimmerman,B.J.(2002).Becoming a self-regulated learner:*An overview theory into practice*,41,64-72